



عدمی از موافقان افسانه‌ها، پا را از این فراتر گذاشته، علاوه بر توصیه به نیاز بچه‌ها به افسانه‌ها و اساطیر قدیمی، معتقد به لزوم خلق اساطیر و افسانه‌هایی جدید که پاسخگوی نیازها و اضطرابهای بچه‌های امروز در ارتباط با زندگی جدید و مسائل آن باشد، هستند.

یکی از آنان در این زمینه می‌گوید: «افسانه‌های کهن می‌میرند؛ زیرا ترس‌هایی که آنها را برانگیخته و پرداخته‌اند از بین می‌روند، اما ما از وحشت‌های جدیدی که ممکن است بروز کنند در امان نیستیم دوره جدید، ترس‌های جدید خود را دارد؛ و می‌دانیم که هر ترس، مقتضی توسل به نوعی تخیل است.

مردم قرن بیستم افسانه‌هایی را که ناخودآگاه در ساختن آنها دست دارند نخواهند شناخت، زیرا لااقل سه قرن تمام برای خلق ربّ النوعی و تراشیدن بتی، در بایست است. معه‌ذا می‌توانیم خاطر نشان کنیم که زمانه ما سعی در خدا کردن بعضی چیزها دارد، و نظام‌های سیاسی و فلسفی‌اش همان قدر از واقعیت بهره‌مندند که از اسطوره. ما فرضیه‌های موهوم و رؤیایی می‌سازیم و راه‌های جدید و ناشناخته‌ای برای گریز در نفسانیات خود می‌گشاییم. همه اینها روزی خارج از ذهن ما و به شیوه‌های غیر قابل پیش‌بینی و نامنتظر، تبلور خواهد یافت.»

میرچا الیاده معتقد است که این موضوع رخ داده است و انسان امروز، لااقل از طریق فیلم‌های مضحک قلمی [کارتون‌ها]، برخی اساطیر مورد نیاز خود را خلق کرده و به آنها دل بسته است: «آدم‌های Comic Strips (مضحک

قلمیها) نمودار روایت جدیدی از قهرمانان اساطیری یا فولکلور هستند. آنها به قدری مظهر مجسم آرمان‌های بخش عظیمی از افراد جامعه شده‌اند که دستکاری احتمالی نحوه کردار، یا بدتر از آن، مرگشان، بحرانه‌های واقعی نزد خوانندگان برمی‌انگیزد. در این صورت اینان از خود به شدت عکس‌العمل نشان می‌دهند و با ارسال هزاران تلگرام به نویسندگان Comic Strips و مدیران روزنامه‌ها، اعتراض می‌کنند. آدمی موهوم و شگرف و ابر مرد (Superman) به برکت هویت مضاعفش، به غایت مردم‌پسند شده است. ابرمردی که از سیاره‌ای نابود شده به دنبال قاصدهای آمده و صاحب قدرتهای شگرف است، در روی زمین با ظاهر مُخَفَّر یا میانه حال روزنامه‌نگاری به نام کلاد که کفایت زندگی می‌کند. خود را خجول و کمرو، فروتن و شکسته‌نفس و زیر نفوذ و سلطه همکارش، خانم لویسی لین نشان می‌دهد. این استتار تحقیرآمیز قهرمانی که قدرتهایش به معنای واقعی کلمه، نامحدود است، در واقع مضمون اساطیری کاملاً شناخته‌شده‌ای را از سر می‌گیرد.

اگر به گنه‌طلب برسیم، درمی‌یابیم که اسطوره سوپرمَن، دل‌تنگی و اشتیاق پنهان انسان جدید را که با علم به مسکنت و محدودیت خویش، آرزو دارد روزی چشم از خواب بگشاید و خود را شخصی استثنایی و قهرمان بیابد، تشفی می‌بخشد.

همین ملاحظات در مورد «رمان پلیسی» نیز صادق است. از طرفی در رمان پلیسی ناظر پیکار نمونه‌وار [تیبیک] میان خیر و شر،

میان قهرمان (پلیس تأمینات، کارآگاه) و جنایتکار (مظهر جدید شیطان) هستیم، و از طرف دیگر، خواننده از طریق فرایند ناخودآگاهانه قیاس به نفس^۴ و یکی کردن خود با دیگری، در راز و رمز و در داستان و ماجرا انباز می‌شود و بر این گمان است که شخصاً در کاری نمونه‌وار و عبرت‌انگیز، یعنی خطرناک و «پهلوانی» درگیر شده است.

همچنین افسانه شدن شخصیتها به کمک وسایل ارتباط جمعی و تبدیل گشتن آنها به صورتهای نمونه و مثالی به ثبوت رسیده است.^۵

«آنچه باید بر سر آن تأکید شود، این است که داستان منشور، خاصه رمان، در جوامع جدید، جایی را که نقل اساطیر و قصه‌ها در جوامع سنتی و مردمی دارد، گرفته است. حتی ممکن است ساختار اساطیری بعضی رمان‌های جدید را نمایان ساخت. همچنین می‌توان دوام و بقای مضامین بزرگ و آدم‌های اساطیری را، در ادبیات اثبات کرد و نشان داد. (این امر خاصه در مورد مضمون رازآموزی، مضمون آزمونهایی که قهرمان/ منجی باید از سر بگذراند، و پیکارهایش با غولان و دیوان، و اساطیر مربوط به زن و ثروت و مسکنت، مصداق پیدا می‌کند.) پس، از این دیدگاه، می‌توان گفت که شیفتگی جدید به رمان، مُبْتَنِ اشتیاق شنیدن هر چه بیشتر داستان‌های اساطیری است که ناسوتی شده، یعنی جنبه مینوی خود را از دست داده‌اند، یا با همان مایه مینوی فقط در اشکال پنهان گشته‌اند.»^۶

«وخامت بحران کنونی که عارض رمان شده، هر اندازه باشد این اصل تغییر نمی‌کند



● خبر

سفر به مناطق جنگی

اواخر آبان ماه سال جاری، چهارمین برنامه سفر به جبهه‌های جنوب انجام شد. در این سفر که تعداد زیادی از نویسندگان و داستان‌نویسان حضور داشتند و به مدت دو روز ادامه یافت، آقایان رضا سید حسینی، احمد سمیعی، پرویز خرسند، قاسمعلی فراست، رضا جولایی، مصطفی جمشیدی، قاضی ربیحاوی، علی مؤذنی، محمد بکایی، سید یاسر هشتروندی، رضا شیرازی، محمد بقایی، علیرضا سربخش (جانباز)، نورالله نصرتی، احمد فداکار، بهرام افراسیابی، عبدالرضا مدرس زاده، احمد لواسانی، جواد محقق، ابوالقاسم حسین جانی، محمود شفائیان، محمد رضا بایرامی، ناصر هاشم زاده، و... و خانمها فریده افشار منتکف، نوش آفرین انصاری، کیوان دخت کیوانی، زهرا زواریان حضور داشتند.

در این سفر که به بازدید از جبهه‌های عملیاتی بدر و خیبر اختصاص یافته بود، فرماندهی جنگ درباره کم و کیف عملیات انجام شده توضیحاتی داد. نویسندگان نیز با جانبازان و خانواده‌های ایشان ملاقاتهایی داشتند.

این سفر که به منظور آشنایی بیشتر داستان‌نویسان با حال و هوای جنگ و جبهه بود، فواید بسیاری به دنبال داشت. مدیریت این برنامه با آقای مجتبی رحماندوست و همکاری آقای محمد علی نورانی بود.

دومین همایش پیک قصه نویسی

روز پنجشنبه یازدهم آذرماه سال جاری دومین همایش پیک قصه نویسی در تالار اندیشه برگزار شد. در این نشست آقای جواد جزینی، مدیریت واحد، درباره کم و کیف فعالیتهای انجام شده توضیحاتی داد. و به هنرجویان برگزیده نیز جوایزی اهدا شد. در این مراسم آقای رضا رهگذر سخنرانی کرد. اجرای موسیقی سنتی و نمایش فیلم پایان بخش این برنامه بود.

افسانه‌های جدید

رضا رهگذر

که حاجت راه بردن به عوالم غریب و پیگیری وقایع و حوادث و زیر و بمهای یک داستان، گویی ذاتی بشر است و جزء سرشت و گوهر او، و بنابراین نقصان‌پذیر و نیست‌شدنی نیست. مشکل می‌توان بشری تصور کرد که مجذوب و مسحور حکایت نقل حوادث آموزنده و معنی‌دار، و آنچه بر مردمانی که صاحب واقعیت مضاعف آدمهای داستانهای ادبی‌اند (که در عین حال نمودار واقعیت تاریخی و روانی اعضای جامعه‌ای امروزی و برخوردار از قدرت جادویی و سحرآمیز آفریدگان خیال‌اند) نشود و نباشد. اما خروج از حیطه زمان که از راه خواندن، خاصه رمان، صورت می‌پذیرد چیزی است که بیش از هر امر دیگر، کارکرد ادبیات را به کارکرد اساطیر نزدیک می‌کند.^۷

و معتقدند که در این میان، کودکان و نوجوانان در اولویت‌اند. آنان نیز «به عوالم فوق‌الطبیعه‌ای که مال عصر ما باشد احتیاج دارند.

... [آنان] به عوالم فوق‌الطبیعه‌ای احتیاج دارند که قادر باشد محیط زیست تهدیدباری را که تکنولوژی برایمان به بار آورده است، بیرون بیاورد و راههایی نشان بدهند که بتوان نه بر طبیعت، بلکه بر خود تکنولوژی تسلط یافت [زیرا آنچه مایه دغدغه خاطر و اضطراب بچه‌های ما می‌شود - به خلاف بچه‌های قدیم - دیگر طبیعت نیست، تکنولوژی است، که با آن کج رویهای خود، انسان را عمیقاً بیگانه و بیزار می‌کند.]

بچه‌های ما به عوالم فوق‌الطبیعه‌ای احتیاج دارند که از طریق وهم و خیال و غرابت، از

طریق عوالم عجیبه و غریبه، و حتی از طریق مضحکه یا اسطوره‌های امروز، ماشینها، دستگاهها، کارگاههای بزرگ و مجتمعهای بزرگ، روابط بوروکراتیک خشک و متحجر و قوانین چشم‌پسته بازار را درهم بریزند و رام کنند...

به عالم فوق‌الطبیعه‌ای نیازمندند که آفتاب و شادمانی را به عرصه کارایی رعب‌آور اجتماعهای تکنولوژی زده ما بیاورد و به این اجتماعها نشان بدهد که تکنولوژی، در سایه روابط انسانی تازه‌ای چگونه می‌تواند در شکفتگی همه ما شریک و سهیم باشد.

اگر از این دریچه بنگریم، عوالم فوق‌الطبیعه به صورت احتیاجی حیاتی درمی‌آید... و ناگفته نماند که تعادل روحی و بهداشت معنوی بچه‌های ما و آگاهی آنها از مسئولیتهای فردای خودشان، به چنین احتیاجی حیاتی می‌تواند وابسته باشد.^۸

پانوشتها:

۱. زبان رمزی الماسه‌ها، م. لوفلر دلاشو، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۵۳ - ۵۴

2. Clark kent

3. Lois Iane

4. Projection

۵. چشم‌اندازهای اسطوره، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۸۸

۶. همان، ص ۱۹۳

۷. همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۴

۸. عوالم فوق‌الطبیعه در ادبیات کودکان و نوجوانان، آندره کدروس (به نقل از کتاب «سی و نه مقاله» و آن نیز به نقل از مجله «تماشا»، شماره ۲۸۲)، ص ۲۳۲